

تطبیق دیالکت نامتعارف در شعر سپهری و سن ژون پرس

مریم ایرانمنش*

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۳۰

زینب عرب‌نژاد**

تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۳۰

چکیده

ادبیات تطبیقی سال‌هاست که به عنوان یکی از روش‌های مدرن نقد ادبی شناخته شده است. این نوع از نقد با بکارگیری علوم دیگر در صدد تحلیل متون ادبی است. در این نوشتار به بررسی تطبیقی اشعار سهراب سپهری و سن ژون پرس می‌پردازیم. علت انتخاب این دو شاعر دشواری تفسیر شعرشان، و استعانت از نقد تطبیقی برای تحلیل علت این دشواری است، که با بهره‌گیری از مکتب تطبیقی آمریکایی به تطبیق این دو اثر می‌پردازیم. به این منظور دو منظومه از این شاعران انتخاب شده است، تا بررسی آن‌ها دقیق‌تر و آسان‌تر باشد؛ «مسافر» از سپهری و «آنا باز» از پرس مبنای بررسی ما در این مطالعه خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: دیالکت نامتعارف، ادبیات تطبیقی، سپهری، پرس، مسافر، آنا باز.

مقدمه

ادبیات تطبیقی (comparative literature) به معنای بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، و نیز تأثیر و تأثرهای آثار ادبی ملل مختلف بر یکدیگر است؛ و دو مکتب عمده ادبیات تطبیقی مکتب فرانسه و مکتب آمریکایی است. مکتب ادبیات تطبیقی فرانسه از چهارچوب پژوهش‌های ادبی، که آن را در ضمن حوزه‌های ادبیات تطبیقی به شمار می‌آورد تجاوز نمی‌کند، و به مقایسه ادبیاتی مشخص با ادبیات سایر ملل یا برخی از آن‌ها عنایت دارد» (سیدی، ۱۳۸۲: ۱۸).

در مکتب آمریکایی که در آغاز واکنشی به مکتب فرانسه بود، ادبیات ممکن است در رابطه با «سایر پژوهش‌های علوم انسانی بررسی شود» (همان: ۲۶). این بدان معناست که در مکتب آمریکایی از سایر رشته‌های علوم انسانی چون علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و... نیز در پژوهش‌های ادبی استفاده می‌شود؛ به‌خصوص از اواسط دهه ۱۹۶۰ تاریخ توجه ادبیات تطبیقی به علوم اجتماعی معطوف شد. امروزه ادبیات تطبیقی یکی از روش‌های مدرن نقد ادبی است، که ما را در شناخت فرهنگ خویش و نیز فرهنگ ملل دیگر یاری می‌رساند. همانطور که فردینان برونیتیر^۱ (۱۸۴۹-۱۹۰۶) استاد ادبیات فرانسه، و عضو فرهنگستان علوم فرانسه می‌گوید: «ما هرگز خودمان را نخواهیم شناخت اگر فقط خودمان را بشناسیم» (به نقل از موهانتی: ۳۵).

مقایسه و تطبیق راهی برای نیل به معرفتی عمیق‌تر نسبت به دیگران، و نیز خویشتن خویش است؛ از این رو ادبیات تطبیقی پنجره‌ای برای شناخت بهتر خودمان، از ورای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی است که در ادبیات ملل انعکاس یافته است. در این مقایسه با کمک اصطلاحات علم زبان‌شناسی به مقایسه میان دو شاعر بزرگ معاصر، یکی از ادبیات فارسی و دیگری از ادبیات فرانسه می‌پردازیم. علت انتخاب این دو شاعر شباهت‌شان است. سن پرس و سهراب هر کدام شعرهایی سروده‌اند که تفسیر آن‌ها

1. Ferdinand Brunetier

دشوار است، به عبارتی هر کدام به دیالکتی دست یافته است که مخصوص به خود است، البته هر کدام به سبک و سیاقی متفاوت. مزیت چنین تحقیق‌هایی استفاده از سایر علوم انسانی در تفسیر و تبیین چرایی و علت پدیده‌های ادبی است.

دیالکت (Dialect)

در ترجمه فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی، این کلمه به لهجه و نیز گویش ترجمه شده است (البته معمولاً لهجه را در مقابل accent به کار می‌برند). «گونه‌ای از زبان که در بخشی از کشور صحبت می‌شود (لهجه منطقه‌ای)، یا توسط افرادی که متعلق به طبقه‌ای خاص از جامعه هستند به کار برده می‌شود (لهجه اجتماعی)، که با داشتن تعدادی واژه، دستور و یا تلفظ‌های مخصوص به خود از شکل‌های دیگر همان زبان متفاوت است» (فرهنگ توصیفی، ۱۳۷۲: ۱۸۲).

در برابر idiolectal نیز می‌نویسد: «نظام زبانی فرد یا همان شیوه تبیینی خود، که در نظام زبانی خاص حرف می‌زند یا می‌نویسد، لهجه فردی شخص به مفهوم وسیع خود یعنی نحوه تکلم شخص مثلاً گزینش گفته‌ها، و روشی که او گفته‌های دیگران را تفسیر می‌کند (همان: ۲۶۶).

«ایدیو سینکرسی» در فرهنگ لغات معاصر به معنای غیرمتعارف و عجیب آمده است (فرهنگ معاصر: ۴۲۵)؛ در واقع منظور از دیالکتک ایدیو سینکراتیک همین دیالکت غیر متعارف است. شاهد ما در این مدعا کتاب تحلیل خطاها جمع‌آوری ریچارد است. در این کتاب نویسنده چندین نوع از دیالکت‌های غیرمتعارف را بر می‌شمرد، که در حقیقت همگی انحراف از استانداردهای زبان معیار هستند. در مورد دیالکت غیرمتعارف شعری معتقد است که ویژگی این نوع دیالکت، تفسیرناپذیری یا دشواری تفسیر آن است (Richards, 2005, p161).

در این مورد نکته قابل ذکر دیگر دیدگاه *آستین* است؛ *آستین* در نظریه کنش‌های گفتاری بیان می‌دارد که مبحث واقعیت‌گریزی در ادبیات، سبب می‌شود که به‌جانبودن یا نابه‌جانبودن کنش‌های گفتاری از زبان معیار متفاوت شود. پیش از تحلیل دیالکت این دو شاعر، آشنایی مختصر با آن‌ها و اشعار مورد تحلیل شایسته است.

سن ژون پرس

سن ژون پرس با نام اصلی *الکسی لژه* در سال ۱۸۷۷م، در جزیره گوادلوپ که از جزایر متعلق به فرانسه بود متولد شد. او مدتی در چین به عنوان کاردار سفارت فرانسه مشغول به کار بود. مدتی نیز به خاطر اختلافات سیاسی با حاکمان جدید فرانسه که دست‌نشانده آلمان نازی بودند، مجبور به ترک فرانسه و تبعید خودخواسته به آمریکا شد. سرانجام در سال ۱۹۵۶ با پیگیری دوستانش به فرانسه باز می‌گردد و عاقبت در بیست و نهم سپتامبر ۱۹۷۵ دیده از جهان فرو می‌بندد.

منظومه آنا باز

این منظومه در سال ۱۹۲۴ سروده شده است. برخی آن را از مقوله شعر منشور، برخی نثر، و برخی دیگر چون *الیوت* آن را محض شعر می‌دانند. این منظومه ماجرای تخیلی بنیانگذار یک امپراتوری است. گفته می‌شود شاعر در سرودن این منظومه به «آنا باز» *گزنفون* نظر داشته است. «آنا باز» *گزنفون* ماجرای لشکرکشی کوروش کوچک، به همراه سیزده هزار مزدور یونانی علیه برادرش *اردشیر دوم*، پادشاه هخامنشی است. اگرچه سپاه کوروش در مسیر فتح بودند اما کشته‌شدن ناگهانی او مانع از این فتح شد. بعد از قتل وی یونانیان به فرماندهی *گزنفون* عقب‌نشینی کردند، و سرانجام پس از متحمل شدن تلفات بسیار به دریای سیاه

رسیدند. شرح این لشکرکشی و عقب‌نشینی در کتاب «آنا باز» به قلم گزنه‌نور روایت شده است. آنا باز به معنای سفر یا مهاجرت، و به تعبیری دقیق‌تر از جایی بلند به دشت رفتن است» (سپانلو: ۲۹). البته تی اس‌الیوت در مقدمه انگلیسی خود که بر این اثر نگاشته، هرگونه ارتباط میان اثر پرس با گزنه‌نور را رد می‌کند و معنای آنا باز را صرفاً تحت‌اللفظی می‌داند.

آنگونه که مترجم اشعار او نیز چنین یادآور می‌شود: «اهتمام همیشگی شاعر بر توصیف‌کردن، دادن آیات مذهبی، تقسیم مضمون به سرودها، آوردن جملات ضمنی و پراکنده و علاقه به واژگان فنی نادر است که با معانی ساده و عام‌فهم در می‌آمیزد... سلیقه شاعرانه پرس با حذف افعال و کلمات، ابهام‌انگیزی، احتراز از هر نوع توجیه منطقی، و زدودن دلالت‌ها، باعث شده که معانی گوناگونی از آنا باز استخراج شود».

داستان «آنا باز» روایتی از سفر است. این روایت با ترانه‌ای شروع می‌شود که تولد کره‌اسبی را بیان می‌کند؛ «ترانه فرجامین «آنا باز» داستان‌گوی بلوغ اسب است. فاتح سابق اکنون سوار بر اسب است، لحظه‌ای درنگ می‌کند و می‌بیند که آخرین ستاره پیش از سپیده‌دمی تازه خاموش می‌شود، و به اثری می‌اندیشد که برادر شاعرش نوشته است. بی‌گمان او هم‌چنان به راهش ادامه می‌دهد» (سپانلو: ۳۶).

سهراب سپهری

سهراب سپهری متولد ۱۵ مهر ۱۳۰۷ در کاشان، و متوفی اردیبهشت ۱۳۵۹ در تهران، شاعر و نویسنده و نقاش ایرانی بود. او در سال ۱۳۳۲ از دانشکده هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل شد و نشان درجه اول علمی را دارد.

او به فرهنگ مشرق‌زمین علاقه خاصی داشت و سفرهایی به هندوستان، پاکستان، افغانستان، ژاپن و چین داشت، و حتی مدتی در ژاپن زندگی کرد. در ابتدا به سبک نیمایی شعر می‌سرود، ولی بعدها سبک مخصوص به خویش را یافت. در این شیوه

جدید *سهراب سپهری* بر دیدگاه انسان‌مدارانه و آموخته‌هایی که از فلسفه ذهن فرا گرفته بود، به شیوه جدیدی دست یافت که «حجم سبز» شیوه تکامل یافته سبکش محسوب می‌شود.

مسافر یکی از هشت دفتر چاپ شده در مجموعه «هشت کتاب» است که در سال ۱۳۴۵ به چاپ رسید. دکتر شفیعی کدکنی در مورد اشعار *سهراب* معتقد است «خصوصیت عمده شعر سپهری، دوری هرچه بیش‌تر از منطق قدیم است... (او) در میان طبیعت و ماورای طبیعت در نوسان است» (مرادی کوچی، ۱۳۸۲: ۲۸۲). هم‌چنین ایشان اصطلاح «جدول ضربی بودن» اشعار را برای *سهراب* به کار می‌برد، و معنای آن را ضرب اسامی ذات در اسامی انتزاعی می‌داند.

در مورد *سهراب* بحث‌های گوناگونی شده است، و شعر او طرفداران و مخالفان خود را داشته است. اما مسئله‌ای که همگان به آن اذعان دارند دست‌یافتن به سبک خاص است، که ما تحت عنوان دیالکت او مورد بررسی قرار می‌دهیم، تا از این رهگذر علت دشواری و تفسیرناپذیری شعر او را بر پایه یکی از مشهورترین اشعارش دریابیم.

ویژگی‌های دیالکت شعری *سهراب*

ویژگی‌های دیالکت شعری *سهراب* را که به نام‌تعارف شدن آن انجامیده است، را می‌توان به دو دسته کلی زبانی و ادبی تقسیم کرد. در بخش زبانی با تکیه بر واژگان و گرامر، که از ویژگی‌های اصلی مورد بررسی در دیالکت است، شعر او را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. هم‌نشینی غیرمتعارف مقولات نحوی

مقولات نحوی اعم از اسم، فعل یا حرف، و نیز نقش‌ها یا کاربردهای نحوی، در هر زبانی از محور هم‌نشینی نسبتاً معینی تبعیت می‌کنند. آشفتگی نظام هم‌نشینی آن‌ها و یا

ابتکار در خلق هم‌نشینی‌های جدید یکی از علل دشواری شعر می‌شود. این هم‌نشینی غیرمتعارف در اشعار سهراب به چندین شکل در هم می‌ریزد که عبارت‌اند از:

أ. انتساب مفاهیم انتزاعی به اسامی ذات

و بوی باغچه را ، باد، روی فرش فراغت

نثار حاشیه صاف زندگی می‌کرد

و مثل بادبزن، ذهن، سطح روشن گل را

گرفته بود به دست

و باد می‌زد خود را

فراغت مفهومی انتزاعی است که به فرش نسبت داده شده است. صفت صاف برای حاشیه معنای خاصی را به ذهن متبادر نمی‌کند، برای حاشیه فرش صفت زیبا، خوش‌نقش و مانند این‌ها نامتعارف است، حاشیه صاف مستلزم این است که مقابل آن مثلاً حاشیه کج وجود داشته باشد. در جای دیگری می‌سراید:

صدای هوش گیاهان به گوش می‌آمد

هوش مفهومی انتزاعی است که نمی‌تواند به گوش برسد، به عبارتی از مسموعات نیست. علاوه بر این انتساب مفهومی انتزاعی چون هوش، به گیاهان غیرمتعارف است. در جای دیگر می‌سراید:

و در مصاحبه باد و شیروانی‌ها

اشاره‌ها به سرآغاز هوش بر می‌گشت

هوش لا مکان است اما اشاره نیاز به مکان دارد.

گاهی نیز سبب خلق اضافه تشبیهی زیبایی شده است:

غبار عادت پیوسته در مسیر تماشاست

همیشه با نفس تازه راه باید رفت

و فوت باید کرد

که پاک پاک شود صورت طلایی مرگ

عادت چون غباری مانع از دیدن زیبایی راستین اشیاء و وقایع می‌شود، اگرچه عجیب می‌نماید که کسی به مرگ عادت کرده باشد، چون حادثه‌ای نیست که به کرات برای کسی روی دهد. شاید هم منظور شاعر مرگ اطرافیان است که می‌توان در خود مفهوم مرگ نیز معانی زیبایی دریافت.

ب. صفات غیر متعارف برای موصوف

و مثل واژه پاکی سکوت چمنزار را را چرا می کرد

بعد غربت رنگین قریه‌های سر راه

صفت پاک برای واژه، و رنگین برای غربت نیازمند تفسیرهای دشوار است.

و عشق، تنها عشق

تو را به گرمی یک سیب می‌کند مأنوس

لطف، سرخی و... برای سیب معنادار است، اما گرمای سیب بسی غیرمتعارف است.

کجاست جای رسیدن و پهن کردن یک فرش

و بی‌خیال نشستن

و گوش دادن به صدای شستن یک ظرف زیر شیر مجاور

آوردن صفت مجاور برای شیر، و نیز لذتی که شاعر از گوش دادن صدای شستن

ظرف زیر آن دارد، معنایی را به ذهن متبادر نمی‌کند.

حیات غفلت رنگین یک دقیقه حواست

یا این شعرش:

در این کشاکش رنگین، کسی چه می‌داند

که سنگ عزلت من در کدام نقطه فصل است

و ما حرارت انگشت‌های روشن او را

به سان سم گوارایی کنار حادثه سر می کشیم

روشن برای انگشت صفتی عجیب است؛ اگرچه گوارا نیز برای سم غیرمتعارف است اما از رابطه تقابل پیروی می کند، که خود سبب زیبایی و اغراق این تعبیر شده است. این رابطه تقابل را در تعبیر جوهر پنهان زندگی در شعر زیر نیز می توان مشاهده کرد:

و راه دور سفر، از میان آدم و آهن

به سمت جوهر پنهان زندگی می رفت

ویژگی بارز جوهر پیدا بودن است، اما این تقابل ذاتی، اشاره به تقدیر ناپیدا اما نوشته شده‌ای است که برای همگان مقدر شده است.

من از مجاورت یک درخت می آیم

که روی پوست آن دست‌های ساده غربت

اثر گذاشته بود

به یادگار خطی نوشتم از دلتنگی

خط ساده را می توان به راحتی تفسیر کرد، اما دست ساده چنین نیست.

به غربت تر یک جوی آب می پیوست

«تر» صفتی است که با آب و جوی تناسب دارد نه با غربت.

ج. تتابع اضافات

نه هیچ چیز مرا از هجوم خالی اطراف نمی رهند

هجوم خالی اطراف گویی باید در شکل هجوم اطراف خالی ام باشد، و الا هجوم خالی معنایی ندارد. به نظر می آید منظور شاعر، تکیه بر تنهایی خود، و خالی بودن اطرافش است.

و عشق تنها عشق

مرا به وسعت اندوه زندگی‌ها برد

اندوه وسیع زندگی بسیار متعارف‌تر است. اگر مضاف اینجا صفت بود بیت قابل فهم‌تر می‌شد.

صدای خالص اکسیر می‌دهد این نوش

به جای صدای اکسیر خالص می‌دهد این نوش. خالص برای صدا به کار نمی‌رود، بلکه برای توصیف ناب‌بودن شیئی ملموس و قابل سنجش است.

در آن دقیقه که از ارتفاع تابستان

به جاجرود خروشان نگاه می‌کردی

تابستان مرتفع می‌تواند مجاز از اوج تابستان باشد.

د. تکرار ساخت نحوی

تکرار ساخت نحوی به معنی تکرار هم‌نشینی مقولات نحوی است؛ به‌گونه‌ای که به پیدایش صنعت ادبی منجر شود. در شعر سهراب کم‌تر این تکرار به آفرینش ادبی منجر شده است، و بسامد آن به دو صورت زیر بیش‌تر است: یا اسم + صفت + اسم

خیال می‌کنم

دچار آن رگ پنهان رنگ‌ها هستی

و یا اسم + صفت + اسم + اسم

طنین بال کبوتر

حضور مبهم رفتار آدمی زاد است

غم تبسم پوشیده نگاه گیاه است

و نمونه‌های دیگر:

و غم اشاره محوی
به رد وحدت اشیاست
و من مخاطب تنهای بادهای جهانم
حضور سبزقبایی میان شبدرها
خراش صورت احساس را مرمت می کرد
و حس لامسه پشت غبار حالت نارنج

هـ کاربرد فراوان افعال ربطی

دو مورد بالا در سطح عبارت و این مورد در سطح جمله است، تکرار افعال ربطی
سبب تکرار ساخت‌های نحوی در جملات می‌شود:

نه وصل ممکن نیست
همیشه فاصله‌ای هست
اگرچه منحنی آب بالش خوبی است
دچار باید بود
وگرنه زمزمه حیات میان دو حرف
حرام خواهد شد
و عشق
سفر به روشنی اهتزاز خلوت اشیاست
و عشق صدای فاصله‌هاست
صدای فاصله‌هایی که غرق ابهام‌اند
صدای فاصله‌هایی که مثل نقره تمیزند
به چند نمونه دیگر از قسمت‌های دیگر این شعر توجه فرمایید:

حیاط روشن بود
هنوز در سفرم
اتاق خلوت پاکی است

۲. عناصر ادبی

کاربرد عناصر ادبی در زبان اگر قابل تفسیر باشد، خود یکی از ممیزات شعری محسوب می‌شود؛ اما اگر نامتعارف باشد به غموض و تعقید معنوی در شعر می‌انجامد، و تفسیرپذیری آن را کاهش می‌دهد. علاوه بر موارد ذکر شده که همگی در حوزه زبان سهراب در این شعر بود می‌توان به موارد زیر که از عناصر ادبی غیرمتعارف در شعر اوست اشاره کرد. برای نمونه به دو صنعت تشبیه و تلمیح می‌پردازیم: اول تشبیه‌های غیر متعارف است؛ شاعر در اینگونه تشبیهات به شیوه اتصال اسامی ذات به عناصر انتزاعی، به خلق تشبیه پرداخته است:

حیات، غفلت رنگین یک دقیقه حواست

و ما حرارت انگشت‌های روشن او را

به سان سم گوارایی

کنار حادثه سر می‌کشیم

چون ارکان تشبیه هر کدام یک تصویر پیچیده و انتزاعی است، نمی‌توان به صراحت گفت انسجام میان این تصاویر چیست. انسجام (cohension) یعنی واحدهای متن به کمک یکدیگر آیند، تا خواننده را در تعبیر متن یاری کنند. اما «سرکشیدن حرارت روشن انگشت‌های او» در کنار حادثه آن‌هم به شکل «سم گوارایی» فاقد این انسجام است. یعنی هیچ‌کدام از مصاریع در تفسیر مصرع بعد کمک چندانی نمی‌کند.

و عشق صدای فاصله‌هاست

صدای فاصله‌هایی که غرق ابهام‌اند

صدای فاصله‌هایی که مثل نقره تمیزند

و در جای دیگر:

من از سیاحت در متن یک حماسه می‌آیم

و مثل آب

تمام قصه سهراب و نوشدارو را روانم

(توجه کنیم «روان» استخدام زیبایی است، که در رابطه با آب و قصه معنای متفاوتی دارد).

می‌توان گفت بر روی پیوستاری با دو قطب ملموس و غیرملموس، تشبیهات سهراب به سمت قطب غیرملموس گرایش دارد که سبب واقعیت‌گریزی و دشواری بیش‌تر می‌شود.

صنعت بعدب تلمیح است؛ تلمیحات بدیع که ریشه در سنت‌های ادبی ندارد:

و بار دیگر، در زیر آسمان مزامیر

در آن سفر که لب رودخانه بابل به هوش آمدم

و در مسیر راهبان پاک مسیحی

به سمت پرده خاموش ارمیای نبی اشاره کردند

و من بلند بلند کتاب جامعه می‌خواندم

دیالکت شعری سن ژون پرس

شعر پرس یکی از نمونه‌های معاصر ادبیات فرانسه است، که به ویژگی فاخر بودن زبان، و پایبندی به استانداردهای نحوی زبان فرانسه ستوده شده است. در اشعار او کم‌تر حالات نامتعارف موجود در اشعار سهراب می‌بینیم. در این مقاله ما با توجه به اصل مجموعه در زبان فرانسه و نه با تکیه بر ترجمه، در جستجوی اشکال نامتعارف نحوی یا واژگانی بودیم اما این انحرافات از زبان معیار در زبان او نمود چندانی نداشت. در

ذیل به چند نمونه از این دست اشاره می‌کنیم و سپس به بیان علت دشواری دیالکت او می‌پردازیم.

۱. صفات نامتعارف

در کشورهای شلوغ از مور و ملخ نیمروزی

از این جانب جهان

شر بزرگ بنفش فامی بر آب‌ها پیش می‌آید (ص ۵۰)

سکه‌های زردرنگ با طنین صاف (ص ۷۲)

ماده‌شتران رام زیر قیچی پشم چینی

با بخیه خراش‌های بنفش (ص ۷۶)

قوانینی در باب فروش مادیان‌ها، قوانین آواره (ص ۸۲)

تا شب‌هنگام، تا ستاره زنانه

چیزی ناب و گرومانده در بلندی‌های آسمان

خنده هشیار مردگان

کاش این میوه‌ها را برای ما پوست می‌کنند (ص ۵۰)

ای آدمیان، مردم غبارشکل و مردم هر شیوه دیگر

مردم تجارت و فراغت (46: gens de poussier)

رایحه توانا احاطه‌ام می‌کند (به جای رایحه توانایی احاطه‌ام میکند)

در زیر تورم خورشید

چه کشورهای بزرگی که در حراج فروخته شده‌اند (ص ۶۸)

(به جای خورشید متورم که اوج گرما را نشان می‌دهد، و ما را به یاد تعبیر «در ارتفاع

تابستان» سهراب می‌اندازد)

۲. تشبیه

که بر خلاف سهراب چندان هم تفسیرناپذیر نیستند:
و نیروی آدمی که همچون انگور در شراب تحلیل رفته است (ص ۷۰)
زمین پهناور اخگر خاکسترنشین رنگ پریده اش را
از تمام جهات در هوا می چرخاند
رنگ گوگرد و عسل، رنگ چیزهای مرگ ناپذیر (ص ۷۶)
جایگاهی از سنگ طلق
نه دانه خالصی در شرابه های باد
و نور همچون روغن (ص ۷۶)
و ایستاده بر لبه تابان روز
در آستان سرزمینی بزرگ، مطهرتر از مرگ (ص ۹۰)

۲. هم نشینی غیرمتعارف عبارات

البته این نوع از هم نشینی در این منظومه بسیار نادر است؛ نمونه زیر از این نوع است:

زن بر سر ناخن خود خمیازه می کشد

۳. هم نشینی نامتعارف جملات

یکی از مهم ترین علل پیچیدگی اشعار پرس، تصویرهای مزدحمی است که همگی باهم شعر را دچار تعقید معنایی می گرداند؛ و الا هم نشینی غیر متعارف در تک جملات او، کم تر از شعر سهراب است.

قربانی کره اسب بر گورهای کودکان

تصفیه بیوه‌زنان در سرخ‌گل‌ها
و ازدحام پرندگان سبز در حیاط‌ها
به افتخار سالخوردگان (ص ۹۳)

هم‌نشینی این جملات باهم غیرمتعارف به نظر می‌رسد، و هر کدام نیازمند تفسیر است. بی‌شک تلمیحات فراوان تاریخی موجود در این اثر نیز بر این پیچیدگی افزوده است. گویی برخی از دلالت‌ها در این میان حذف شده است؛ به تصویر زیر توجه فرمایید:

دهانم را در نور بگشا
همچنان که شکاف عسلی در میان تخته‌سنگ‌ها
و اگر در من خطایی بیابند کاش مرخصم کنند
گویی یک یا چند جمله در این میان مفقود شده است، و جمله دوم ارتباط آشکاری به جمله اول ندارد.

خنده هشیار مردگان
کاش این میوه‌ها را برای ما پوست می‌کنند
چطور آیا در این جهان، زیر سرخ‌گل وحشی، دیگر عطوفتی نیست؟
از این جانب جهان، شر بزرگ بنفش‌فامی بر آب‌ها پیش می‌آید
باد بر می‌خیزد

باد دریا، و زیرجامه‌ها را می‌برد
چون کاهنی تکه‌تکه شده (ص ۵۰)

راوی می‌پرسد چطور؟ که گویی در برابر جمله‌ای اعجاب‌آور، بر زبان رانده شده؛ اما چنین جمله‌ای در متن موجود نیست، و مجدداً به روایت قبلی باز می‌گردد؛ برخاستن باد و آمدن طوفانی شگرف که همه لباس‌ها را چون کاهنی تکه‌تکه شده با خود می‌برد (زیرا کاهنان معمولاً لباس‌هایی سفیدرنگ به رنگ لباس زیرجامه می‌پوشند).

جملات زیر در عدم ارتباط با یکدیگر، نیز از این دست‌اند:

انسان به درو جو می‌رود

نمی‌دانم چه کس بر بام من به قوت سخن گفت

آنک پادشاهان‌اند بر آستان من نشسته

و در چند مصراع بعد گویی به داستان دیگری باز می‌گردد، و چنین به خورشید

پرخاش می‌کند:

هلا! ما از تو در شگفتیم، خورشید

چه دروغ‌ها که به ما نگفتی

ای مایه نفاق و پریشانی

قوت تو دشنام و افترا، ای سنگ‌انداز (ص ۵۲)

و یا آغاز این منظومه:

زیر برگ‌های مفرغی

کره اسبی زاده می‌شد

مردی حبه‌های تلخ به دستان ما نهاد

بیگانه که می‌گذشت

معنای هر کدام از این جملات واضح، اما ارتباط میان‌شان نامفهوم است و چنانکه

پیش‌تر ذکر شد، دلالت‌ها و ارتباطات میان آن‌ها تعمداً حذف شده است.

هر متنی برای حفظ خود باید عناصری در درون خود داشته باشد. از جمله این

عناصر می‌توان به انسجام (cohesion)، و دیگری به پیوستگی و ارتباط مطالب یعنی

(coherence) اشاره کرد.

اگر گیرنده پیام تمامی متن را درک کند، اما نتواند دریابد متن در چه مورد بوده است

این متن از پیوستگی برخوردار نخواهد بود (صفوی، ۲۱۰: ۱۳۹۱).

پس می‌توان گفت پیوستگی متن، یعنی ارتباط میان جملات در متن «آنا باز» بسیار کم است، و علت اصلی دشواری شعر او در همین عدم پیوستگی مطالب به یکدیگر است. افزون بر دیالکت نامتعارف، از مشابهت‌های دیگر این دو اثر می‌توان به نوع روایت آن‌ها اشاره کرد. هر دو شعر روایت سفر است، در این مجموعه‌ها شخص دومی در داستان وجود دارد. در شعر *سهراب* مسافر، و در شعر *پرس* بیگانه هر کدام نقش شخصیت ثانوی را دارند.

هر دو شاعر تا حد زیادی متنیت (textuality)، شعر را به خاطر عدم رعایت مبحث انسجام و پیوستگی زیر سؤال برده‌اند، اما این مسئله به وضوح در شعر *پرس* مشخص‌تر است.

نتیجه بحث

رویکرد ادبیات تطبیقی راهی برای دستیابی به معرفتی عمیق‌تر، نسبت به فرهنگ و ادب خویش است. ادبیات تطبیقی با کاربرد سایر علوم و رشته‌ها سعی در تحلیل پدیده‌های ادبی دارد. در این نوشتار با استعانت از علم زبان‌شناسی به تحلیل زبان دو شاعر از ادبیات فارسی و فرانسه پرداختیم.

یکی از ویژگی‌های دیالکت غیرمتعارف، تفسیرپذیری دشوار آن است. این مشخصه در شعر هر دو شاعر مورد بحث به وضوح قابل پیگیری است. اگرچه هر کدام به سبک و سیاق خود به خلق دیالکتی نامتعارف پرداخته‌اند. *سهراب* با استفاده از درهم ریختگی نظام هم‌نشینی در زبان فارسی، و عدم تطابق هم‌نشینی واژه‌ها در قالب مقوله‌های ناهم‌نشین نحوی به این دیالکت دست یافته است. در حالی که «آنا باز» *پرس* مجموعه‌ای از ابیات یا جملاتی است که دلالت‌های میان آن‌ها تعمداً حذف شده است. حذف این دلالت‌ها سبب نامفهومی ارتباط، و علت هم‌نشینی این جملات در کنار هم شده است و

خط روایت را گنگ و بریده‌بریده ساخته است. لامکانی و لازمانی و حرکت در زمان برگسونی از ویژگی‌های روایت «آنا باز» است.

زبان پرس (نه بر اساس ترجمه بلکه در زبان اصلی) کم‌تر از قاعده هم‌نشینی، و نظم استاندارد زبان فرانسه فاصله می‌گیرد، و آنچه به چشم می‌آید می‌تواند در قلمرو استعارات و دلالت‌های ادبی تفسیر شود؛ و خود سبب افزایش ضریب تفسیرپذیری شعر شود. ابیاتی از دست «زن بر سر ناخن خود خمیازه می‌کشد» در این مجموعه نادر است. شعر سهراب با اینکه دچار انقطاع زمانی و مکانی «آنا باز» نیست، اما در یافتن معنای حاصل از جملات آن، به خاطر انتساب مفاهیم ناهم‌نشین دشوار و دیریاب شده است. به بیانی دیگر دشواری شعر سهراب در درون جمله، و دشواری شعر پرس در ارتباط میان جملات است. دیالکت سهراب جزئی‌تر و دیالکت پرس کلی‌تر است. هر دو شاعر متن را زیر سؤال برده‌اند؛ پرس از لحاظ پیوستگی و ارتباط میان جملات، و سهراب از دیدگاه انسجام یعنی از ارتباط واحدهای درون جمله.

کتابنامه

- باطنی، محمدرضا. ۲۰۰۷م. **فرهنگ معاصر**. تهران: فرهنگ معاصر.
- پرس، سن ژون. ۱۳۸۶هـ.ش. **آنا باز**. ترجمه محمدعلی سپانلو. تهران: هرمس.
- دو بوادفر، پیر. ۱۳۸۲هـ.ش. **شاعران امروز فرانسه**. ترجمه سیمین بهبهانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ریچارد، جک. ۱۳۷۲هـ.ش. **فرهنگ توصیفی زبان شناسی**. ترجمه حسین وثوقی و اکبر میرحسینی. تهران: مرکز ترجمه و نشر.
- سپهری، سهراب. ۱۳۶۳هـ.ش. **هشت کتاب**. تهران: کتابخانه طهوری.
- سیدی، سید حسین. ۱۳۸۲هـ.ش. **ادبیات تطبیقی**. مشهد: به نشر.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۷۶هـ.ش. **نگاهی به سهراب سپهری**. تهران: مروارید.
- صفوی، کورش. ۱۳۹۱هـ.ش. **آشنایی با زبان شناسی در مطالعات ادبی فارسی**. تهران: علمی.
- عابدی، کامیار. ۱۳۷۵هـ.ش. **از مصاحبت آفتاب**. تهران: روایت.
- مرادی کوچی، شهناز. ۱۳۸۲هـ.ش. **معرفی و شناخت سهراب سپهری**. تهران: قطره.

منابع لاتین

- Gorge Yule The study of language, Cambridge press, fourth edition: 2010.
- Jack.c. Richard, Error analysis, longman: 2005.
- searl, Indirect speech, university of brecly.